ادامه از صفحه ۴

هدف ترامپ ایران است

ترامپ در ایام فعالیت انتخاباتی خود از بین مسائل زیادی که مطرح می‌کرد، به دو موضوع مهم بیشتر توجه داشت؛ نخست اخراج مهاجران غیرقانونی که عمدتا همین مکزیکی‌ها هستند و دوم اخراج مسلمانان و ممانعت از ورود آنها به داخل خاک آمریکا. او وعده انتخاباتی خود را که خیلی‌ها فکر می‌کردند تنها شعار انتخاباتی است، به‌گونه‌ای ظریف اجرا کرد و برای اینکه باعث خشم جامعه مسلمانان نشود، محدودیت را فعلا به هفت کشور شامل عراق، سوریه، لیبی، سومالی، سودان، یمن و ایران خلاصه کرد. عنوان این فرمان «محافظت از ملت در برابر حملات تروریستی اتباع خارجی» است و رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شده است این کشورها تعداد زیادی تروریست دارند. نکته درخورتوجه این است که از این دولت‌ها خواسته شده است در ۶۰ روز از ابلاغ این فرمان، همکاری خود را با آمریکا آغاز کنند و اطلاعات خواسته‌شده از اتباع خود را در اختیار آمریکا قرار دهند در غیراین‌صورت، اتباع این کشورها تا زمانی که دولت‌هایشان اطلاعات خواسته‌شده آمریکا را به این کشور ارائه نکنند، از ورود به آمریکا منع خواهند شد. شش کشور از هفت کشور جزء کشورهای عربی هستند. عراق و لیبی مستقیما مورد حمله آمریکا قرار گرفتند و حتی برای عراق فرماندار آمریکایی انتخاب کردند. داعش در سوریه با حمایت آمریکا با استناد به خاطرات هیلاری کلینتون متولد شد و سوریه را به خاک و خون کشید و موج مهاجران اجباری را روانه اروپا و آمریکا کرد. در یمن این سلاح‌های آمریکایی است که بر سر مردم فقیر و بی‌دفاع آن کشور ریخته می‌شود. بیشترین اسلحه در چند سال گذشته از سوی آمریکا به عربستان فروخته شده که در یمن آزمایش می‌شوند. وضع سومالی و سودان و نقش آمریکا در نابسامانی این دو کشور بر کسی پوشیده نیست. قصه پرغصه دارفو و نسل‌کشی این منطقه و سرانجام تقسیم سودان به دو کشور به وسیله سازمان سیا را فراموش نکرده‌ایم. تنها کشور مستقل بین این هفت کشور ایران است که نزدیک به ۴۰ سال است با سیاست‌های آمریکا در جدال است. ایران قبل از انقلاب محل حضور نزدیک به ۶۰ هزار مستشار آمریکایی بود که هزینه نگهداری آنان را کشور ایران تأمین می‌کرد. به باور نگارنده، فرمان منع مهاجرت به آمریکا جدای از اسلام‌هراسی هدف نهایی دارد و آن ایران است. طنز گزنده این محرومیت و ممنوعیت این است که اگر هدف فرمان ترامپ «محافظت ملت در برابر حملات تروریستی اتباع خارجی» است، یک نمونه تاریخی از شرکت ایرانیان در وقایع تروریستی در داخل و خارج از آمریکا را اعلام کنند. برعکس ایرانیان مقیم آمریکا در همه عرصه‌ها حضوری انکارناپذیر دارند. چهره‌هایی که حتی درون اتاق بیضی‌شکل کاخ سفید رسما حضور دارند. اگر ایرانیان حاضر در ناسا را از این مجموعه علمی بگیرند، اگر تعطیل نشود، حتما دچار رکود خواهد شد. ایرانیان مقیم آمریکا حتی تا آن سوی فضا هم نام خود را تثبیت کرده‌اند و ستاره‌ای به نام فیروز نادری دانشمند فضایی نشانگر این توفیق است. ممکن نیست به مرکزی دانشگاهی و علمی وارد شوید و چند تا از پست‌های کلیدی را در اختیار ایرانیان نبینید. جمعیت پزشکان متخصص ایرانی مقیم نیویورک از خیلی از شهرهای ایران بیشتر است. جمعیت ایرانی مقیم آمریکا جمعیتی مولد و علمی است. این ایران‌هراسی پیام خوبی نخواهد داشت. برخی جریان‌های داخلی که شیدای به‌قدرت‌رسیدن ترامپ و رأی‌نیاوردن هیلاری کلینتون بودند، از این پس خواهند دید دنیا با ترامپ خطرناک خواهد بود. نیات شیطانی او نسبت به ایران را باید جدی گرفت. هدف ترامپ ایران است و باید با دقت رفتار ترامپ را رصد کرد و تصمیم عجولانه نگرفت.

تاریخ تکرار نمی‌شود

ادامه از صفحه اول

آنچه مردم را با شرایط خودشان بیگانه می‌کند، «پدیده رؤیت» است؛ یعنی زمانی که چشم جامعه به آنچه در درونش تحمل‌ناپذیر است باز می‌شود و درمی‌یابد جهان دیگری هم ممکن است. سیاست به‌اضافه مردم از همین‌جا آغاز می‌شود و انقلاب اسلامی این اقبال را داشت که در کوره سوزان جنگی ناخواسته آبدیده شود تا معنای مقاومت در آن رسوب کند و مستتر شود. تاریخ ۳۸ ساله انقلاب، تاریخی بدون تکرار بوده است. کنشگران سیاسیِ آن اگرچه به خاستگاه انقلاب وفادار بوده‌اند، اما هریک از ایده انقلاب تصور و برداشت خاص خود را داشته‌اند. قرائتی متفاوت که موجب تعارض، تضارب و درنهایت پویایی انقلاب شده است. دولت موقت عصاره و چکیده این تشدید و اختلاف و ائتلاف بود که در بستری متلاطم متولد شد. وضعیتی چنان پُرتنش که ناچار برایش شناسنامه‌ای موقت صادر کردند تا دریای توفانی انقلاب آرام گیرد. اما رسم انقلاب آرامش برنمی‌تافت و در دل همین توفان نطفه دولت‌های بعدی بسته شد. با دولت دوران جنگ بود که ایده انقلاب اسلامی تثبیت شد. سیاست به‌اضافه مردم در هشت سالِ جنگ به مردم به‌اضافه سیاست گره خورد و بسیاری از کنشگران انقلابی از قطار انقلاب پیاده شدند. اینک در سی‌وهشتمین سالگرد انقلاب اسلامی جای یکی از کنشگران انقلابی آن ایام که همواره سوار بر قطار انقلاب بوده خالی است. کسی که با وفاداری به ایده انقلاب ناگزیر بسیاری را سوار بر این قطار و بسیاری را از آن پیاده کرد. این رسم سیاست است. سیاست برخاسته از دل انقلاب و مواجهه‌های گاه تند و گاه آرام. دولت هاشمی‌رفسنجانی با این پیشینه شکل گرفت، دولتی که می‌خواست دریای متلاطم سیاست را آرام سازد و بگوید انقلاب به‌معنای تغییر قدرت تمام شده و آنچه ادامه دارد تثبیت ایده انقلاب است، اما ایده‌ای که دولتمردانی چون او در سر می‌پروراندند. ازاین‌رو هاشمی به سمت تثبیت نهادها حرکت کرد. شاید او اولین انقلابی‌ای بود که باور داشت انقلاب باید در دولت تجلی پیدا کند و کسانی می‌توانند در دولت او حضور داشته باشند که با ایده‌هایش همداستان باشند. این اعتمادبه‌نفس هاشمی از آنجایی نشئت می‌گرفت که ایده‌هایش منطبق و موردتأیید آیت‌الله خمینی بود. دوستان آشکار و مخالفان پنهان هاشمی از همین دوران برخاستند. بی‌تردید آنچه هاشمی را در طول این سالیان سرپا نگه داشت، همان انقلابی بود که او خود را یکی از خالقان آن می‌پنداشت. از سوی دیگر حضور در وقایع بی‌شمار انقلاب و سیاست‌ورزی در روزهای پرفرازونشیب بعد از آن از او چهره‌ای ساخته بود که در هر مسندی می‌نشست، منشأ قدرت و تغییر و حوادث زیرپوستی می‌شد. هاشمی به ترویج برداشت خود از ایده انقلاب اصرار داشت که در زمان حیات آیت‌الله خمینی هم مورد تأیید بود. پس از رحلت مرادش اگرچه او از میدان سیاست به‌در نرفت اما روزگار سختی فرارسید. دولت اصلاحات واکنش مردم به اغراق و افراط هاشمی در برنامه‌های اقتصادی و سیاست‌ورزی‌هایش بود. دولت اصلاحات و رئیس آن نوعی «رماتیسم انقلابی» را دنبال می‌کردند. آنان درصدد آن بودند تا به انتقاد مردم از وضع موجود پاسخ داده و به احیای ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مغفول‌مانده در دولت هاشمی بپردازند. رئیس دولت اصلاحات با تکیه بر مردم تلاش کرد، ایده انقلابی خود و برداشتش از این ایده را روایت کند. محوری‌ترین ایده دولت اصلاحات در دو پارگی میان نوستالژی گذشته و رؤیاهای آینده شکل می‌گرفت. بازگشت به خاستگاه انقلاب به آینده نیز چشم داشت. اگر انقلاب اسلامی ۵۷ از جنبش مشروطه بهره‌برداری کرد و کل تاریخ خود را بازمعنا کرده است، دولت اصلاحات نیز با رویکردی تازه به ایده انقلاب بر آن بود تا معنای خود را در ارجاعات مکرر به گذشته و راهی به‌سوی آینده بسازد. کاری که به سرمنزل مقصود نرسید، اما احمدی‌نژاد با جعلِ این ایده در قالبی رادیکال‌تر تلاش کرد خاستگاه انقلاب را با قرائتی دیگر نشانه برود و بدون ایجاد هرگونه چشم‌انداز واقعی در آینده، رجعت به گذشته طلایی را بشارت دهد. او بیش از همه پیروزی‌اش را مدیون دو چیز است. اول اینکه توانست قرائت غیرانقلابی خود از ایده انقلاب را در خوانشی رجعت‌گرایانه به خاستگاه انقلاب پنهان کند و دوم آنکه از تلقیِ هاشمی مبنی بر اینکه او را انحرافی در انقلاب می‌دید جان سالم به‌در برد و با فرافکنی و انتقادات تندوتیز چهره انقلابی هاشمی را مخدوش کند. جالب آن‌که شکست محتوم احمدی‌نژاد نیز ماحصل همین منش و روش است. با گذر زمان پرده از قرائت غیرانقلابی احمدی‌نژاد کنار رفت و عیان شد که او تا چه‌حد از خاستگاه انقلاب دور و حتی در تعارض با آن است. پرده‌برداری از قرائت احمدی‌نژاد از انقلاب، هراسی عظیم در دل انقلابیون کهنه‌کار انداخت. کهنه‌کارترین این سیاست‌مداران، هاشمی بود که هرگز احمدی‌نژاد را باور نکرد و شمایل ساده‌اش را جدی نگرفت. اگر نواقص هاشمی احمدی‌نژاد را برکشید، استقامت و پایداری هاشمی در مخالفت با او، از سکه‌اش انداخت.

دولت روحانی در شرایطی سی‌وهشتمین سالگرد انقلاب را جشن می‌گیرد که انقلاب دوران پرتلاطمی را پشت سر گذاشته است. این تلاطم‌ها از حسن روحانی فردی غیرقابل نفوذ و گاه غیرقابل پیش‌بینی ساخته است. روش و جایگاه او با هاشمی متفاوت است و از سوی دیگر نمی‌تواند باتوجه به تغییر فضای سیاسی رفتار رئیس دولت اصلاحات را در سیاست پیشه کند، و همچون احمدی‌نژاد قرائتی پنهان از ایده انقلاب در سر ندارد. دولت‌های انقلاب هیچ‌کدام تکرار دیگری نیستند؛ ازاین‌رو برای قضاوت درباره دولت روحانی باید چهار سال دیگر صبر کرد، زیرا دولتِ او نه شبیهِ دولت‌های دیگر بلکه آمیزه‌ای از آنهاست.

*** در نوشتن این یادداشت از کتاب «می ۶۸ در فرانسه» ترجمه سمیرا رشیدپور و محمدمهدی اردبیلی، نشر رخدادنو استفاده شده است.**

سیاست‌های خاورمیانه‌ای دولت جدید آمریکا

ادامه از صفحه اول

...که موضوع مبارزه با داعش را تحت‌الشعاع قرار داد. وی در مصاحبه‌ای با شبکه سی‌بی‌اس آمریکا، گفت: اروپا با گشودن درهای خود به روی پناه‌جویان سوریه، مرتکب اشتباهی فاحش شد؛ زیرا به گفته وی، بهتر آن بود که در خاک سوریه، منطقه‌ای امن ایجاد می‌شد تا پناه‌جویان این کشور، به این منطقه کوچ می‌کردند. ترامپ تأکید کرد آمریکا برای ایجاد منطقه امن در خاک سوریه، وارد عمل خواهد شد و وی از سران نظامی کشورش خواسته است طرحی دراین‌زمینه تهیه کنند. این تصمیم ترامپ، نگاه مثبت اولیه (مبارزه بی‌امان با داعش) را زیرورو کرد و واکنش منفی رهبران مسکو و سوریه را در پی داشت. مسکو اعلام کرد واشنگتن باید در قبال عواقب این تصمیم خود، به‌ویژه در زمینه حاکمیت ملی کشورها، آگاه باشد. سخنگوی وزارت خارجه روسیه در این زمینه گفت: واشنگتن پیش از اعلام این تصمیم، مسکو را در جریان قرار نداده است. رهبران سوریه نیز واکنش تندی از خود نشان داده و ایجاد منطقه امن در خاک خود را تجاوز به حاکمیت ملی تلقی کردند. حتی ترکیه نیز که از آغاز بحران سوریه روی طرح ایجاد منطقه امن در شمال این کشور تلاش‌های بی‌وقفه‌ای انجام داد، با شک، تردید و احتیاط توأم با استقبال، واکنش نشان داد. بسیاری از ناظران سیاسی امور خاورمیانه، این موضع دونالد ترامپ را تلاش آمریکا برای مقابله با نتایج نشست آستانه درباره بحران سوریه که آمریکا را به کلی از روندهای موجود برای برقراری صلح در این کشور به حاشیه راند، ارزیابی کرده‌اند.

تصمیم دونالد ترامپ درزمینه ایجاد منطقه امن در خاک سوریه، پیش از آزادسازی شهر حلب، قابلیت اجرا داشت؛ اما پس از آزادی حلب، این موضوع قابلیت‌های اجرائی خود را از دست داده است. تنها در دو صورت آمریکا می‌تواند این شعار را عملی کند؛ نخست اینکه آمریکا به کمک شورشیان و تروریست‌ها در سوریه بشتابد و با کمک ترکیه، به تروریست‌ها امکان کسب یک پیروزی نسبی را در نوار مرزی سوریه با ترکیه یا در مرز با اردن، اعطا کند و در زیر سایه این پیروزی و برای حفظ موقعیت اپوزیسیون مسلح سوریه، در گفت‌وگوهای بعدی ژنو مناطقی از نوار مرزی را قلمرو امن اعلام کند. تحقق این فرضیه، با دو مانع مهم روبه‌رو است؛ یکی اینکه بخشی از نوار مرزی سوریه با ترکیه، زیر نفوذ داعش قرار دارد که آمریکا قرار است این نیرو را نابود کند. دوم آنکه ترکیه درباره نفوذ کردها در این منطقه، به‌ویژه پس از اعلام مناطق امن از سوی آمریکا، به‌شدت نگران است و اختلاف‌نظر شدید آنکارا با دولت اوباما در شمال سوریه حول همین نقطه متمرکز شده بود. احتمال دوم این است که آمریکا مناطق میانی و نواری از شرق این کشور را منطقه امن اعلام کرده و از نیروهای اپوزیسیون مسلح این کشور بخواهد به این منطقه کوچ کنند. این احتمال نیز با مشکل حضور داعش در استان رقه، پایتخت داعش در سوریه و حضورش در نوار شرقی هم‌مرز با عراق مواجه است. علاوه بر این، به طور کلی بحران سوریه را که در آخرین مراحل خود به سر می‌برد با طرح ایجاد منطقه امن، وارد فاز تازه‌ای از تشدید بحران می‌کند. از همه مهم‌تر دونالد ترامپ درباره طرح ایجاد منطقه امن در خاک سوریه، از پنتاگون خواسته است در ۹۰ روز آینده با ارزیابی و بررسی نقشه‌ها، امکان عملیاتی‌بودن ایجاد منطقه امن را به وی گزارش دهند. بسیاری از ناظران سیاسی معتقدند ترامپ با این شعار قصد داشته به مخالفانش در آمریکا بگوید با رئیس‌جمهوری جدی روبه‌رو هستند؛ زیرا در این ۹۰ روز هیچ چیزی ثابت نمی‌ماند که آمریکا بتواند طرح خود را به اجرا بگذارد. من در نوشتار ویژه دیگری به این پرسش مهم پاسخ خواهم داد که طرح ایجاد مناطق امن در خاک سوریه، سازوکار اجرائی آن، چگونگی نظارت بر آن، هزینه آن در هوا و زمین و بودجه منطقه امن و اینکه چه کسانی از مردم سوریه حق ورود به این منطقه یا مناطق امن را خواهند داشت و هزینه مدارس کودکان و جوانان این منطقه و نیز بهداشت آنها و مسئولیت حقوقی آنان و موقعیت و منشور حقوقی به‌کاررفته در این منطقه و اینکه ساکنان این منطقه تحت نظارت سازمان ملل خواهند بود یا نیروی ایجادکننده منطقه امن و نیز نیروی ضامن ایجاد این منطقه و مقررات داخلی آن و همچنین نیروهای شرکت‌کننده منطقه‌ای و بین‌المللی در اعمال هوایی و زمینی و نسبت نیروهای اپوزیسیون مسلح این منطقه و تعلق خاطر آنها به کدام یک از پروتکل‌های به‌کاررفته در آن به تفصیل سخن خواهم گفت. ظاهرا دونالد ترامپ با دادن مهلت ۹۰روزه به پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا برای تدوین طرحی در این زمینه در واقع توپ را به زمین پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا انداخته است تا راه فرار از انجام این طرح گشوده بماند. با این مهلت می‌توان فهمید یا خود ترامپ یا مشاورانش از پیچیدگی این طرح و هزینه‌های گزاف آن مطلع بوده و هستند یا اینکه ترامپ چنان‌که گفتیم این ایده را برای ارسال پیام‌های اطمینان‌بخش به هم‌پیمانش در منطقه مطرح کرده تا این تصور ایجاد شود که رئیس‌جمهور ترامپ آدمی است جدی؛ زیرا آنها می‌دانند که روسیه با آن‌همه کبکبه و دبدبه به‌سرعت در حال انتقال سریع به فاز سیاسی بحران سوریه است تا از هزینه‌های سنگین آن که بر بودجه اساسا بحرانی روسیه سنگینی می‌کند، رهایی یابد. از سوی دیگر این فرضیه که دولت ترامپ کل هزینه این منطقه امن را به دوش کشورهای عرب حامی اپوزیسیون مسلح سوریه خواهد گذاشت، اندکی مبالغه‌آمیز است؛ چون عربستان سعودی و قطر و امارات درگیر جنگ خانمان‌سوز دیگری در جبهه یمن هستند و قادر به تأمین بودجه کلان منطقه امن در سوریه نیستند. نباید این شعار انتخاباتی دونالد ترامپ را از یاد ببریم که گفته بود و اکنون تکرار کرده که واشنگتن هم هزینه احداث دیوار در مرز با مکزیک را از دولت مکزیک خواهد گرفت و هم از این پس آمریکا به بهای تضعیف امنیت خود، امنیت دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای عرب خلیج فارس را تأمین نخواهد کرد، مگر آنکه این کشورها هزینه اقدامات امنیت‌ساز آمریکا را از جیب مبارکشان بپردازند. در واقع آمریکا در دوره ترامپ قصد دارد شبیه شرکت‌های خصوصی تأمین‌کننده امنیت کشورها عمل کند!

دوم. شعار دوم دونالد ترامپ در دوره مبارزات انتخاباتی، انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس بود.کشورهای اسلامی و عربی، به‌ویژه دولت خودگردان فلسطین درباره عملی‌شدن این شعار ابراز نگرانی کردند. رژیم صهیونیستی و شخص بنیامین نتانیاهو از این شعار ترامپ استقبال کرده و آن را فصلی نوین در سیاست‌های جانبدارانه واشنگتن در رابطه با اسرائیل به شمار آوردند. درباره سیاست خاورمیانه‌ای دولت جدید آمریکا، به استثنای شعار انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس، هنوز هیچ راهبردی از سوی ترامپ اعلام نشده. فقط از طریق انتخاب‌های ترامپ در پست‌های حساسی مانند وزارت خارجه یا ریاست سازمان سیا، می‌توان فهمید دولت جدید آمریکا قصد دارد سیاست چند سلف خود را کنار بگذارد. می‌دانیم فرمول دو دولت در یک سرزمین فرمول جورج بوش پسر بود که در دوره باراک اوباما نیز دنبال شد، اما ترامپ هنوز به طور روشن نگفته که راه‌حلش برای بحران خاورمیانه چیست. حتی شعار مربوط به انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس چند روز پس از ورود ترامپ به کاخ سفید از قاطعیت قبلی‌اش کاسته شد و سخنگوی کاخ سفید در پاسخ به پرسشی درباره موضوع انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس، گفت این موضوع مراحل ابتدایی مطالعاتی خود را طی می‌کند. بسیاری از ناظران غربی می‌گویند دونالد ترامپ چندان اطلاعی از چند و چون انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس نداشته است و حالا که در کاخ سفید ساکن شده به این نتیجه رسیده است که اگر موضوع انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس عملی شود، آمریکا با موج بی‌سابقه ضدآمریکایی در سراسر جهان مواجه خواهد شد؛ ازاین‌رو و درباره چشم‌انداز سیاست خاورمیانه‌ای جدید آمریکا باید گفت این موضوع در تصویری بزرگ‌تر شامل بحران اعراب و اسرائیل و مسئله فلسطین نیز می‌شود. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با درک شخصیت دونالد ترامپ، به‌ویژه ناآگاهی ترامپ از پدیده سیاست خارجی با شتاب فراوان تلاش کرد از طریق گفت‌وگوی تلفنی و سپس تنظیم یک سفر فوری به آمریکا و دیدار با ساکن جدید کاخ سفید، ذهن خالی ترامپ را با دغدغه همیشگی رژیم صهیونیستی درباره فهرست بلندی از بحران‌های خاورمیانه پر کند. از دیدگاه نتانیاهو بحران خاورمیانه سه ضلعی‌ای است که مرکزیت آن ایران است. نتانیاهو که در موضوع برجام و توافق هسته‌ای شش قدرت جهانی با جمهوری اسلامی ایران شکست خورد در آغاز گفت‌وگوی تلفنی خود با ترامپ خطر هسته‌ای ایران را بازتولید کرد و از رئیس‌جمهور جدید آمریکا خواست به وعده‌اش درباره پاره‌کردن توافق هسته‌ای عمل کند. نتانیاهو به دو ضلع دیگر بحران خاورمیانه یعنی تروریسم و مسئله فلسطین نیز از منظر تهدیدهای راهبردی ایران می‌نگرد و تلاش می‌کند به ترامپ یادآور شود علت‌العلل همه بحران‌های خاورمیانه در ایران است. نتانیاهو برای جداسازی حکومت از مردم ایران از روش پیام مستقیم به ملت ایران بهره گرفت. آشکار است که مخاطب ویدئوی نتانیاهو در محتوای پیام، مردم ایران نبودند، بلکه مخاطب اصلی و محتوایی این پیام رهبران غرب به‌ویژه رهبران جدید آمریکا بودند، زیرا نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی می‌داند جداسازی ملت از دولت ایران دشوار است، اما عمده‌کردن دشمنی غرب به‌ویژه دولت جدید آمریکا با ایران در شرایطی که دونالد ترامپ قصد دارد حتی روسیه را از فهرست دشمنان آمریکا خارج کند، می‌تواند دوران پساتحریم ایران و بازسازی روابط ایران با منظومه غرب و برعکس را مختل کرده و روابط ذاتا چالشی و بحرانی ایران با غرب به‌ویژه آمریکا را به مربع اول بازگرداند. دونالد ترامپ به استثنای قراردادن نام شهروندان ایرانی در کنار اتباع شش کشور عربی و اسلامی در فهرست محدودیت ورود به خاک ایالات متحده و گفت‌وگوی تلفنی‌اش با ملک‌سلمان، پادشاه عربستان سعودی، در شب امضای فرمان مربوط به محدودیت یادشده و تأکید بر ضرورت پافشاری بر اجرای سخت‌گیرانه توافق هسته‌ای و نیز همکاری با ریاض برای مقابله با بلندپروازی‌های منطقه‌ای ایران، به طور آشکار سیاست خود را در قبال تهران بیان نکرده است، اما تأکید بر اجرای سخت‌گیرانه توافق هسته‌ای با ایران نشان می‌دهد ترامپ حداقل از شعار پاره‌کردن برجام دست کشیده و می‌توان گفت که نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، حداقل تا اینجای کار نتوانسته است خطر ایران را در ذهن ترامپ به حجم توقع خود بزرگ کند. البته این آغاز راه ترامپ و تلاش‌های نتانیاهوست و با توجه به خصلت پیش‌بینی‌ناپذیری ترامپ باید تا روشن‌شدن چشم‌انداز سیاست خاورمیانه‌ای دولت جدید آمریکا شکیبا بود. معنای این توصیه و نیز خصلت یادشده ترامپ این نیست که رئیس‌جمهور جدید آمریکا در بحران‌های خاورمیانه یا در سیاست‌هایش در قبال تهران نرمش و اعتدال و برخورد عادلانه از خود بروز خواهد داد، بلکه بحث سر این است که ترامپ در زمینه‌های یادشده تا چه حد رادیکال عمل خواهد کرد.

***ریاست مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه**

جدول ۲۷۵۹ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- دفعه و مرتبه- شاخه‌ای از ریاضیات- دوره‌ای از زندگی انسان با ابزارهای سنگی ۲- از روی احتیاط- جست‌وجوگر ۳- الفبای موسیقی- هم‌نبرد- دادگر- تکرار حرفی ۴- از چهره‌های سرشناس سینمای کمدی جهان- نامه‌نگاری- پیشوندی معادل میلیون ۵- آوردن- به اندازه لازم- شش ضلعی ۶- زاییدن- ماری بسیار سمی- برادر شیرازی ۷- کلمه پرسش- طهارت- سعادت و خوشبختی ۸- علم و فن ساخت و تعمیر خودرو ۹- ورزش سالنی با توپ و راکت- چشم خواب‌آلود شاعرانه- هماهنگی وزن و قافیه ۱۰- دوست‌داشتنی- از واحدهای ذخیره‌سازی اطلاعات در کامپیوتر- اثر تربیتی ژان ژاک روسو ۱۱- همسایه چین- سمت‌وسو- قطعی برای کتاب ۱۲- چراغ آسمان- اطلاعات سازمان‌یافته برای تحلیل- منافقان جنگ نهروان ۱۳- پوستین- رستگار- شانه‌به‌سر- شماره دروازه‌بان ۱۴- نوعی ساعت- درخواست جبران هتک حرمت ۱۵- خوش‌آوازه- وطن - سپاسگزاری.

عمودی:

۱- کالبد- پاکان- نشان‌دادن ۲- نتیجه‌گیری- جالب و دوست‌داشتنی ۳- عریان- نامی دخترانه- پوشاک سر- تکرار یک حرف ۴- بالاترین مرحله یک جریان ناگوار- تخمک- تا تنور گرم است باید پخت ۵- شیطان- جوهر قلیا- ثروتمند ۶- یاری‌کننده- جست‌وجو- نوعی زیرانداز ۷- وزیر حضرت سلیمان (ع)- وسیله‌ای برای برقراری ارتباط تصویری اینترنتی- نوعی ماسه ریز ۸- راهی که به آخر نمی‌رسد!- اتاق مخصوص ظهور عکس- مادر عرب ۹- عارفان- جانور تک‌سلولی- گوسفند قربانی ۱۰- هنر ثبت لحظه‌ها- دختران عرب- فریبکاری ۱۱- کفش تابستانی- نوعی بیماری پوستی- شهری در چین ۱۲- مرد عرب- نشان تجاری کالا- رهایی ۱۳- کنده‌کاری روی چوب- شهر کاخ کرملین- قصه‌گو- ریه ۱۴- باعث ناراحتی روح- آوازخوان شب‌های تابستان ۱۵- گیاه رنگرزی-... گفتیم و عشق آغاز شد- بی‌دینی.

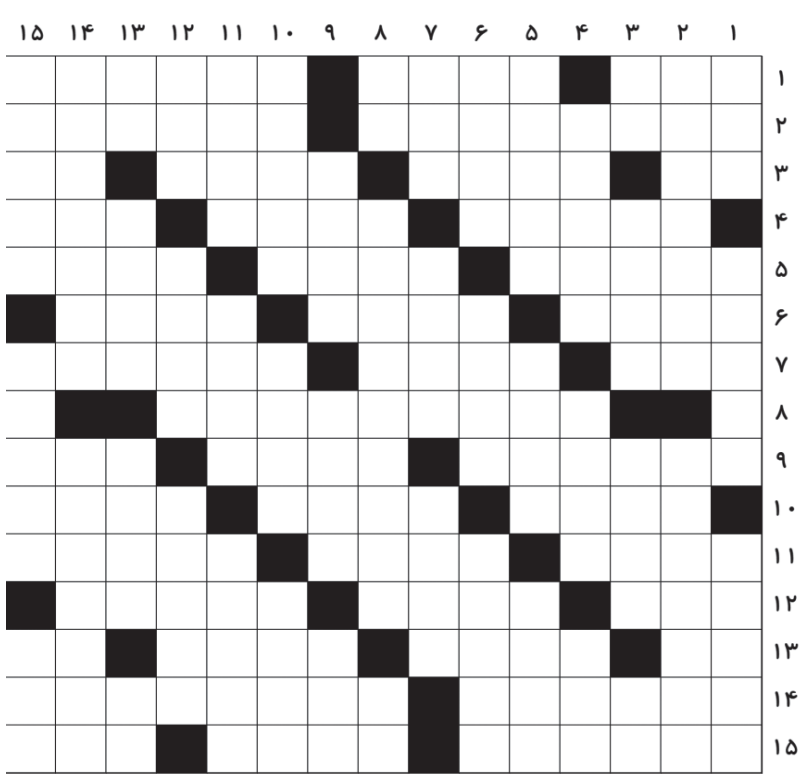

حل سودوکو سخت

۴	۱	۶	۹	۸	۷	۳	۲	۵
۹	۸	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۱
۳	۷	۵	۲	۶	۱	۹	۴	۸
۶	۴	۸	۷	۹	۲	۵	۱	۳
۷	۳	۹	۴	۱	۵	۸	۶	۲
۵	۲	۱	۶	۳	۸	۴	۹	۷
۸	۹	۷	۱	۴	۳	۲	۵	۶
۱	۵	۴	۸	۲	۶	۷	۳	۹
۲	۶	۳	۵	۷	۹	۱	۸	۴

حل سودوکو ۱۷۵۴

۳	۲	۸	۴	۶	۵	۷	۹	۱
۵	۷	۹	۸	۳	۱	۶	۲	۴
۴	۱	۶	۲	۹	۷	۵	۳	۸
۶	۸	۳	۷	۵	۴	۲	۱	۹
۲	۴	۱	۶	۸	۹	۳	۵	۷
۹	۵	۷	۱	۲	۳	۸	۴	۶
۱	۹	۲	۳	۷	۸	۴	۶	۵
۸	۳	۵	۹	۴	۶	۱	۷	۲
۷	۶	۴	۵	۱	۲	۹	۸	۳

جدول ۲۷۵۸

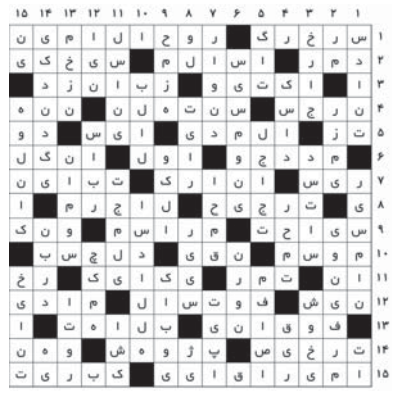

سودوکو سخت ۱۷۵۵

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۴					۲	۱		
			۷			۳		۲
		۳	۶		۴	۵		
		۱	۹				۸	۳
۸		۶			۵			
			۸			۶		۵
			۲				۷	۴
۱				۹		۲	۵	
۹								۱

سودوکو ۱۷۵۵

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۸		۱			۶	۳
۵	۶	۹		۲	۸			۷
		۳		۵		۲		۸
۶	۲			۷				۹
	۹	۴			۳		۱	
	۳		۲			۶	۵	۴
۹			۱			۴		۶
	۵	۶		۴	۲			۱
	۴				۷		۸	۵